

# نقش مناطق آزاد تجاری- صنعتی در توسعه

ژاله شادی طلب

مقدمه

در شناخت نقش مناطق آزاد تجاری - صنعتی در توسعه سئوالات زیر را باید مطرح کرد:  
این مناطق چگونه مناطقی هستند؟ چه ویژگیهایی دارند؟  
کشورهای میهمان در مناطق آزاد تجاری - صنعتی به دنبال چه هدفی هستند؟  
کشورهای میزبان به چه دلیل از ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی استقبال می کنند؟  
این مناطق تا چه حد می توانند موجب توسعه در کشور میزبان شوند؟  
پیش از شروع بحث ارائه تصویری از سابقه ایجاد مناطق آزاد تجاری ضروری می نماید. مناطق آزاد تجاری در دنیا پدیده تازه ای نیست و به گذشته های دور یعنی اوایل قرن هیجدهم برمی گردد. سنگاپور در سال ۱۷۰۴ و هنگ کنگ در سال ۱۸۴۲ صاحب مناطق آزاد تجاری بودند، امروز هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای کم توسعه یافته مناطق آزاد تجاری به وجود آمده اند.

بنابراین این مناطق تنها اختصاص به کشورهای جهان سوم ندارند و در کشورهای پیشرفته ، مخصوصاً در ایالات متحده امریکا ، تعدادشان بسیار زیاد است.

بر طبق آخرین آمارهای موجود در سال ۱۹۸۴، ۳۴۴ منطقه ویژه تجاری در دنیا وجود داشت که عمده ترین آنها ۷۵ منطقه تجاری بوده اند<sup>۱</sup> و در سال ۱۹۸۶، ۱۱۰ منطقه آزاد تجاری - صنعتی در دست احداث یا برنامه ریزی بوده است.

در بیست سال اخیر (دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰) در مفهوم مناطق آزاد تجاری تحولی ایجاد گردیده است بطوری که امروزه مفهوم آن گسترده تر از تجارت صرفی باشد و تولید و تجارت هر دورا شامل می شود. بنابراین وقتی صحبتی از مناطق آزاد تجاری می شود، گستردگی مفهوم می تواند از منطقه صرفاً تجاری تا منطقه ای را که در داخل تولید می کند، تا صادر نماید دربرگیرد. تغییر در مفهوم منطقه آزاد تجاری در نتیجه دگرگونی در سیاستهای اقتصادی دنیا و کشورهای جهان سوم به وجود آمده است.

تغییر استراتژی توسعه صنعتی از جایگزینی واردات به استراتژی توسعه صادرات، موجب چنین تحولی در مفهوم «مناطق آزاد تجاری» شده است. در استراتژی توسعه صادرات، تولید برای صادرات است و تجارت فارغ از سیاستهای اجرایی و هر نوع قید و بندی انجام می گیرد و این استراتژی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی رایج است.

در گذشته های نه چندان دور (بعد از جنگ جهانی دوم) سازمانهای بین المللی ایجاد مناطق آزاد تجاری را تشویق می کردند. اما امروز همان سازمانها نظیر یونیدو<sup>۲</sup> و UNCTAD<sup>۳</sup> انگناده کشورهای جهان سوم را به احتیاط و دقت بیشتر دعوت می کنند و توجه به تجربیات سایر کشورها را بشدت توصیه می نمایند.

چرا امروز چنین توصیه ای می شود ؟

در ۳۰ سال اخیر در دنیا چه اتفاقی افتاده است که بجای تشویق کشورهای جهان سوم به ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی توصیه می شود که دقت کنند و بیشتر احتیاط نمایند.

برای درک بهتر موضوع بحث، نیاز به تعریف مفاهیم اصلی وجود دارد تا همزمانی بیشتری حاصل شود. ناسهایی که برای منطقه آزاد تجاری بکار می رود بسیار متنوع است از جمله: منطقه آزاد تجاری<sup>۴</sup>، منطقه پردازش صادرات<sup>۵</sup>، منطقه آزاد تجاری - صنعتی و سایر اسامی نظیر مناطق ویژه تجاری، مناطق تجارت خارجی، مناطق آزاد صنعتی، مناطق آزاد تولید و... اما آنچه در این مقاله برای سهولت «منطقه آزاد تجاری» گفته می شود همان چیزی است که امروز تجارت همراه با تولید است و منطقه پردازش صادرات نیز خوانده می شود.

### تعریف مناطق آزاد تجاری و مناطق آزاد تجاری - صنعتی<sup>۶</sup>

بر اساس تعریف بانک جهانی منطقه آزاد تجاری قلمرو معینی است که غالباً در داخل یا در مجاورت یک بندر واقع گردیده و در آن تجارت آزاد با سایر نقاط جهان مجاز شناخته شده

است. کالاها را می‌توان بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی از این منطقه خارج یا به آن وارد نمود، برای مدتی در انبار ذخیره کرد و در صورت لزوم بسته‌بندی مجدد کرد و سپس صادر نمود. مطابق این تعریف ویژگی عمده منطقه آزاد تجاری ورود و خروج کالاها بدون هیچ تعرفه گمرکی و سود بازرگانی یا مقررات گمرکی است.

در منطقه آزاد تجاری - صنعتی علاوه بر مزایایی که در منطقه آزاد تجاری وجود دارد تأسیسات و خدمات مورد نیاز برای تولید یعنی تبدیل مواد خام به کالاهای واسطه‌ای و محصولات نهایی با هدف صدور آنها فراهم می‌شود. پس در منطقه تجاری - صنعتی و یا پردازش صادرات، تولید با هدف صادرات، انجام می‌شود.

بنابر اطلاعات موجود منطقه تجاری - صنعتی یا منطقه پردازش صادرات منطقه‌ای است که از نظر فیزیکی و اداری خارج از سرزهای گمرکی یک کشور قرار دارد و تولیداتش کالاهای صنعتی صادراتی است، در این مناطق تسهیلات و مشوقهایی برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی فراهم می‌شود. می‌توان از این مناطق به داخل کشور میزبان کالا صادر نمود، مشروط بر اینکه حقوق و عوارض گمرکی مقرر پرداخته شده باشد.

### تعریف توسعه

پس از تعریف منطقه آزاد تجاری نوبت به تعریف توسعه می‌رسد:

توسعه مفهومی است که در طی تاریخ تحول یافته است و تحول هم خواهد یافت. در این بحث توسعه به معنای تعالی انسانهاست. به عبارت دیگر توسعه معادل ارتقاء فرهنگی است. امروزه محور توسعه، انسان است و سایر ابعاد توسعه در خدمت تعالی انسانهاست. یک جامعه با فرهنگ توسعه یافته جامعه‌ای است که در آن: اعتقاد به برابری انسانها حاکم باشد، لزوم احترام به حقوق دیگران پذیرفته شده باشد، اعتقاد به آزادی سیاسی وجود داشته باشد، نگرش علمی در جامعه حکمفرما باشد، اعتقاد به نظم‌پذیری جمعی وجود داشته باشد و اعتقاد به لزوم توجه معقول به مسائل مادی وجود داشته باشد.<sup>۷</sup>

بطور قطع در چنین جامعه‌ای، تعالی انسانها می‌تواند تحقق یابد و رشد اقتصادی نیز در جهت بهبود سطح زندگی همگان فراهم شود. بنابراین وقتی از نقش مناطق آزاد تجاری در توسعه صحبت می‌شود منظور همان ابزار توسعه است.

مناطق آزاد تجاری فقط ابزار توسعه هستند و خود توسعه نیستند. آنها ابزاری در جهت اجرای سیاستها و خط‌مشیها هستند، برای رسیدن به تعالی انسانها. بطور یقین، در فرآیند توسعه توجه به امور صرفاً فرهنگی کافی نیست، مسائل مادی هم که وابسته به رشد اقتصادی هستند جای خود را دارند، ولی برای موفقیت برنامه‌های رشد اقتصادی، تحول فرهنگی ضروری است.

## روند افزایش تعداد مناطق آزاد تجاری در کشورهای کم توسعه یافته

بعد از جنگ جهانی دوم و از سال ۱۹۶۰ به بعد بحث توسعه مناطق آزاد همه گیر شد و طرفداران زیادی پیدا کرد: در اواخر دهه ۱۹۶۰ در ۹ کشور، در اواخر سال ۱۹۷۴ در ۲۰ کشور، در اواخر سال ۱۹۷۹ در ۲۹ کشور، در اواسط سال ۱۹۸۴ در ۳۵ کشور مناطق آزاد تجاری فعال بودند و در سال ۱۹۸۶، ۴۶ کشور در حال فعالیت و برنامه ریزی برای احداث این مناطق بودند.

امروز تعداد مناطق آزاد تجاری بیش از تعداد کشورهای است که منطقه آزاد تجاری دارند. چون در بعضی از کشورها چندین منطقه آزاد وجود دارد. این روند افزایشی از نظر تعداد کشورها سرعت بسیار زیادی را در دهه ۱۹۸۰ به خود گرفته است. ۷۲ درصد از مناطق عمده تجاری آزاد در دنیای طی سالهای ۱۹۷۹-۱۹۶۰ یعنی در مدت ۲ سال به وجود آمده اند، در حالی که ۲۸ درصد بقیه در طی یک دوره چهار ساله ۱۹۸۴-۱۹۸۰ به وجود آمده اند. قاره آسیا ۴۸ درصد از عمده ترین مناطق آزاد تجاری را در خود جای داده است. اما این مناطق در کشورهای مختلف با ویژگیهای مختلف ایجاد شده اند. اغلب اقتصاد بازار آزاد دارند، البته بجز هند با اقتصاد دوگانه و چین با اقتصاد تحت کنترل.

وجود مناطق آزاد تجاری هیچ نوع همبستگی با اندازه کشور از نظر جمعیت و از نظر تولید ناخالص ملی سرانه ندارد.

بدینگونه نیست که مناطق آزاد تجاری در کشورهایی بوجود آمده اند که جمعیت زیاد یا جمعیت کم دارند و یا تولید ناخالص ملی آنها بالا یا پائین باشد. نمونه هایی از همه این کشورها وجود دارند:

— مناطق آزاد تجاری در کشورهایی با جمعیت زیاد و تولید ناخالص ملی سرانه بالا وجود دارند نظیر: مکزیک و برزیل  
— مناطق آزاد تجاری در کشورهایی با جمعیت زیاد و تولید ناخالص ملی سرانه پائین وجود دارند نظیر: هند

— مناطق آزاد تجاری در کشورهایی با جمعیت کم و تولید ناخالص ملی سرانه بالا وجود دارند نظیر: باربادوس و اردن  
— مناطق آزاد تجاری در کشورهایی با جمعیت کم و تولید ناخالص ملی سرانه پائین وجود دارند نظیر: هائیتی

## سهامان و میزبان

در اینجا لازم است در مورد دو واژه «سهامان» و «میزبان» توضیح بسیار مختصری

ارائه شود. منظور از سهامان، همان سرمایه‌گذاری است که غالباً از کشوری بیگانه است و منظور از میزبان، کشوری است که مناطق آزاد تجاری را دایر کرده است و در واقع میزبان آن سهامان است.

### ۱ - سهامانها

سهامانها از کجا آمده‌اند؟ چه ویژگیهایی دارند؟ سرمایه‌گذاران متعلق به چه کشورهایی هستند و با چه سرمایه‌ای آمده‌اند؟ برای چه آمده‌اند؟

### ویژگی سرمایه‌گذاران

بیشتر سرمایه‌گذاران از کشورهای توسعه یافته هستند. چند نمونه در اینجا ذکر می‌شود:

کشور میزبان	سرمایه‌گذاران
چین	اسریکا و هنگ کنگ
هنگ کنگ	اسریکا و ژاپن
هند	اسریکا، ژاپن و کانادا
سالمی	اسریکا، ژاپن، اروپا و هنگ کنگ
فیلیپین	اسریکا، ژاپن و کانادا
کره جنوبی	اسریکا، ژاپن و آلمان غربی
سنگاپور	اسریکا و ژاپن
سری لانکا	اسریکا، هنگ کنگ و ژاپن
تایوان	اسریکا و ژاپن
تایلند	استرالیا
مصر	اسریکا، فرانسه و ایتالیا
مجمع‌الجزایر کارائیب	اسریکا
امریکای مرکزی	امریکا

در میان سرمایه‌گذاران خارجی سهم عمده در درجه اول از نظر حجم سرمایه‌گذاری و تعداد مکانهایی که سرمایه‌گذاری کرده‌اند، متعلق به امریکاست. بعد از آن ژاپن و سپس کشورهای

تازه توسعه یافته و یا تازه صنعتی شده NICS<sup>۶</sup> مثل هنگ کنگ، کره جنوبی و سنگاپور قرار دارند. در این میان میزان مشارکت منابع محلی کم است و اگر جز این باشد نشان دهنده شکست کشورها در جلب سرمایه گذاریهای خارجی است. البته سرمایه گذاران همه خارجی نیستند سرمایه گذاریهای داخلی و سرمایه گذاریهای مشترک (داخلی - خارجی) هم مشاهده می شوند. در تحقیقی که در سال ۱۹۸۶ در سیزده کشور تازه صنعتی شده که وضع اقتصادی نسبتاً خوبی داشتند به عمل آمد (از جمله این کشورها می توان از کره جنوبی، مکزیک، مالزی - فیلیپین و هندوستان نام برد) مشخص گردید که در مجموع در این سیزده کشور ۳۶/۸ درصد مؤسسات با سرمایه گذاری خارجی، ۳۸/۳ درصد با سرمایه گذاری مشترک و ۲۴/۸ درصد با سرمایه گذاری صرفاً داخلی ایجاد شده اند.

در اینجا نمونه هایی از سرمایه گذاریها در کشورهای مختلف آورده می شود که نشان می دهد سرمایه گذاریها لزوماً خارجی نیستند:

#### ساختار سرمایه گذاری مؤسسات

کشور میزبان	خارجی %	مشترک %	داخلی %
مالزی	۶۴	۳۱	۵
سری لانکا	۹	۷۹	۱۲
جامائیکا	۵۳	۴۱	۶
کره جنوبی	۷۲	۲۸	—

پس همه مهمانها لزوماً خارجی نیستند. عده ای هم از داخل کشور میزبان به سرمایه گذاری مشترک یا مستقل می پردازند. میزان سرمایه ای که مهمانها با خود به منطقه آزاد تجاری می آورند، متنوع است. طبق بررسی که در سال ۱۹۷۰ انجام شد (آخرین اطلاع موجود) میزان سرمایه ها معمولاً کمتر از یک میلیون دلار بوده است. در بعضی از موارد زیر ۵۰۰ هزار دلار و حتی سرمایه گذاریهای کمتر از صد هزار دلار هم بسیار زیاد وجود داشته است.<sup>۱۰</sup>

#### ویژگی سرمایه ها

یکی از ویژگیهای سرمایه در مناطق آزاد تجاری این است که سرمایه به کار انداخته شده چندان زیاد نیست و می توان آن را نقل و انتقال داد. صاحب سرمایه ای که در یک منطقه آزاد تجاری سرمایه گذاری می کند براحتی می تواند سرمایه اش را از یک منطقه آزاد تجاری به

منطقه آزاد تجاری دیگری انتقال دهد، زیرا ماهیت این صنایع به سبب سبک بودن (الکترونیک، نساجی و ...) با ارزش افزوده بالا، ارجحیت داشتن واحدهای تولیدی کوچک و سرمایه گذاری کم، عدم کاربرد تجهیزات گران قیمت، عدم ارتباط با اقتصاد داخلی کشور میزبان در تهیه مواد اولیه، فراهم بودن ساختمانهای استاندارد برای کارخانه و ارائه تمامی تسهیلات توسط کشور میزبان، تقریباً در تمام مناطق آزاد به سرمایه ها اجازه می دهد که براحتی نقل مکان کنند. البته این مطلب به آن معنی نیست که آنها حتماً این کار را کرده اند یا خواهند کرد. ولی اصولاً ماهیت این صنایع و عدم ارتباط این صنایع با اقتصاد داخلی کشورهای میزبان این اجازه را به آنها می دهد که اگر اراده کنند، سرمایه خود را منتقل نمایند. سرمایه گذارانی که در مناطق آزاد تجاری سرمایه گذاری می کنند غالباً خود را محدود به یک منطقه و کالای معین نمی کنند و گاهی اوقات یک نوع کالا را در چند منطقه آزاد تجاری تولید می کنند تا میزان وابستگی خود را به یک منطقه و یک کشور خاص کاهش داده باشند.

### معیارهای انتخاب منطقه آزاد تجاری

هدف سرمایه گذاران از سرمایه گذاری در مناطق آزاد تجاری کسب سود بیشتر و به حداکثر رساندن آن است. اما سرمایه گذاران برای رسیدن به این هدف در انتخاب مناطق آزاد تجاری، معیارهایی را در نظر می گیرند، مسئله انتخاب منطقه برای کشورهای پیشرفته بسیار مهم است تا بدانند به کجا می روند و تا چه حد از سودآوری می شود اطمینان حاصل کرد؟

طبق بررسیهای انجام شده مهمترین عامل در انتخاب یک منطقه برای سرمایه گذاری ثبات سیاسی است. تحقیق در مورد سیاستهای سرمایه گذاران و معیارهای سرمایه گذاری نائید می کند که ثبات سیاسی در کشور میزبان، بالاترین مرتبه و اهمیت را در اولویتهای کشور مهمان دارد. مهمانها جایی می روند که به ثبات سیاسی آنجا اطمینان داشته باشند.

بر طبق تحقیق انجام گرفته مالزی<sup>۱۱</sup> بالاترین رتبه را در جلب سرمایه گذاران خارجی به سبب ثبات سیاسی داشته است، هر چند میزان دستمزد در آنجا نسبت به کشورهای همسایه (به جز سنگاپور) بطور نسبی بالاتر بوده است.

در تحقیق علمی که در این مورد انجام گرفت مقیاسی<sup>۱۲</sup> برای دلایل انتخاب منطقه آزاد ساخته شد و از صفر تا ده درجه بندی گردید. در این مقیاس ثبات سیاسی بعنوان بالاترین رتبه ۸/۲ امتیاز را به دست آورد. پس از ثبات سیاسی، فراوانی کارگر با ۶/۹ امتیاز، ارزانی کارگرا ۶/۸ امتیاز و سپس مسائل دیگر قرار گرفتند.

بنابراین شاخص و معیار بسیار مهم برای سرمایه گذاری در یک منطقه ثبات سیاسی است علاوه بر ثبات سیاسی کشور میزبان، ثبات سیاسی کشورهای همجوار کشور میزبان و کل

منطقه نیز اهمیت دارد. به همین دلیل در ده سال گذشته اغلب مناطق در امریکای مرکزی (به جز مکزیک) اهمیت خود را از دست داده اند.

عامل دیگری که مشوق سرمایه گذاران بوده است دسترسی به بازار مصرف است، یعنی بازار برای عرضه سریع کالاهای تولید شده. به عبارت دیگر دسترسی و تسلط بر بازارهای مصرف کشورهای مجاور یکی از دلایل سرمایه گذاری در مناطق آزاد تجاری است. به عنوان مثال دسترسی به بازارهای اروپای شرقی و شوروی دلیل جذب سرمایه گذاران به مناطق آزاد در هند است. دسترسی به بازار آفریقای غربی دلیل سرمایه گذاری شرکتها در سنگال است. سرمایه گذاران به هر نقطه ای که می روند یکی از معیارهای اصلی برای آنان این است که این منطقه چه بازارهایی را می تواند فراهم کند.

علاوه بر این معیار دیگری که سرمایه گذاران دارند، بهره گیری از سهمیه های صادراتی کالاهای صنعتی کشورهای کم توسعه یافته است. امروز در دنیا بر اساس قراردادهای بین المللی کشورهای کم توسعه یافته و در حال توسعه یک سهمیه صادرات صنعتی دارند که بر طبق آن کالاهای صنعتی خود را به بازارهای جهان صادر می کنند<sup>۱۳</sup>. سرمایه داران بخصوص شرکت های چند ملیتی که با محدودیتهایی در افزایش تجارت خود مواجه شده اند، ترجیح می دهند به کشوری بروند که از سهمیه صادرات کالاهای صنعتی خود استفاده نکرده باشند، تا بتوانند از سهمیه آنان استفاده کنند.

عامل دیگری که در انتخاب یک منطقه پس از ثبات سیاسی اهمیت زیادی دارد، مسئله نیروی کار است. در مورد نیروی کار، فراوانی نیروی کار، ارزان بودن آن و بهره وری آن مطرح است. یعنی در مورد نیروی کار هر سه مورد را در نظر می گیرند.

در مورد فراوانی و ارزانی نیروی کار بدنیست از تحقیقاتی که سازمان بین المللی کار انجام داده است آمار و اطلاعاتی ارائه شود:

در سال ۱۹۸۰ متوسط دستمزد کارگران برای هر ساعت در امریکا حدود ۴ دلار و در ژاپن حدود ۵ دلار بوده است. بهتر است میزان این دستمزدها یا دستمزد کارگران در کشورهای دیگر که مناطق آزاد تجاری دایر کرده اند، مقایسه شود:



میزان متوسط دستمزد کارگران برحسب دلار آمریکا و به تفکیک کشور<sup>۱</sup>

واحد: دلار آمریکا برای هر ساعت

سال	کشور	میزان متوسط دستمزد کارگران
۱۹۸۰	مکزیک	حدود ۰/۷۵ دلار
۱۹۸۰	سنگاپور	حدود ۰/۸۵ دلار
۱۹۸۰	جمهوری کره	حدود ۰/۷۵ دلار
۱۹۷۸	فیلیپین	حدود ۰/۲۵ دلار
۱۹۸۱	هندوستان	حدود ۰/۲ دلار

آنچه در این جدول ارائه شد دستمزد متوسط نیروی کار با همه ترکیبهاست؛ البته بهتر است که این دستمزدها به نیروی کار ماه - نیمه ماه و غیرماه تقسیم شود. به عنوان نمونه می توان به اطلاعات کشور سری لانکا توجه کرد:

نیروی کار ماه	۰/۱۵ دلار
نیروی کار نیمه ماه	۰/۱۲ دلار
نیروی کار غیرماه	۰/۹ دلار

بنابراین دستمزد متوسط روزانه در سری لانکا بین ۸۰ سنت تا ۱/۲ دلار است. با مقایسه ارقام درآمد روزانه میان کشورهای مختلف مشاهده می شود که اگر یک کارگر ماه سری لانکایی روزانه ۸ ساعت کار کند فقط به اندازه یک پنجم دستمزد ساعتی یک کارگر آمریکایی می تواند درآمد داشته باشد. دستمزد نیروی غیرماه آمریکایی حدود ۱۶ تا ۷۵ برابر دستمزدی است که در مناطق آزاد تجاری پرداخت می شود و در انگلستان نیروی کار ۸ تا ۲۸ برابر دستمزد نیروی کار کشورهای توسعه نیافته دریافت می کند. میزان دستمزد در صنایع مختلف مناطق آزاد تجاری متفاوت است (آنچه ذکر شد متوسط دستمزد در مجموع صنایع است). البته اگر به نوع صنایع هم دقت شود باز همین واقعیت به چشم می خورد، به عنوان مثال در جمهوری کره دستمزد نیروی کار در صنعت الکترونیک ۰/۹۱ دلار و در صنعت نسوجات و پوشاک ساعتی ۰/۵۹ دلار است. در فیلیپین ارقام مشابه ۰/۳ و ۰/۱۷۵ دلار است. بدین ترتیب مشاهده می شود که در تفکیک صنایع هم تفاوت بین دستمزد کشورهای پیشرفته و مناطق آزاد تجاری - صنعتی کشورهای کم توسعه یافته، کمکان وجود دارد. به طوری که میزان دستمزد در کشورهای کم توسعه یافته

حدود ۱ تا ۱۰ درصد دستمزد کشورهای توسعه یافته است. کاهش هزینه‌های تولید از راه

کاهش هزینه‌های دستمزد برای سرمایه‌گذاران بسیار مهم است. به‌عنوان نمونه می‌توان مطالعه و مقایسه‌ای را که در زمینه تولید کفش در تانزانیا و آلمان غربی صورت گرفته است مطرح کرد:

این بررسی<sup>۱۰</sup> در سال ۱۹۷۵ انجام شد و نشان می‌دهد اگر کفش را در تانزانیا تولید کنند چقدر هزینه خواهد داشت و اگر همین کفش را با همان کیفیت در آلمان غربی تولید کنند چقدر:

تانزانیا		آلمان غربی	
درصد	به دلار آمریکا	درصد	به دلار آمریکا
حقوق	۹۲۰۱۱	۳/۹٪	۹۵۱۹۵
دستمزد	۱۴۵۸۰۹	۲/۷۹٪	۸۱۰۵۲۶
استهلاک	۵۱۴۸۷	۳/۴٪	۴۴۳۳۶
سایر هزینه‌ها	۷۷۵۶۰	۲/۷٪	۷۳۲۵۸
جمع	۳۴۶/۸۶۸	۱۰۰٪	۱/۰۲۳/۳۱۶

در واقع هزینه تولید یک جفت کفش در آلمان غربی ۴/۶۵ دلار تمام می‌شود و هزینه تولید همان کفش در تانزانیا ۱/۵۸ دلار می‌شود که اگر هزینه حمل و نقل را هم به آن بیفزاییم، ۱/۹۹ دلار می‌شود. بنابراین به دلیل دستمزد ارزان در کشورهای توسعه یافته، سهم عمده‌ای از کالاهای مورد نیاز کشورهای پیشرفته در مناطق آزاد تجاری کشورهای جهان سوم ساخته می‌شود و سپس به کشور مبدأ باز می‌گردد. به جز ارزانی نیروی کار، فراوانی نیروی کار نیز برای سرمایه‌داران بسیار مهم است، چون به دلیل نوع کاری که انجام می‌شود تعویض کارگران سرعت اتفاق می‌افتد. صنایعی که در مناطق آزاد تجاری ایجاد می‌شوند بخصوص صنایع الکترونیک به دقت و نظم زیادی نیاز دارند. این صنایع، صنایعی هستند که کارگران نمی‌توانند مدت زیادی در آنها دوام آورند. زیرا فشار عصبی و روانی زیادی را باید تحمل کنند، پس باید نیروی کار زیاد باشد تا بتوان سرعت یکی را جایگزین دیگری کرد. البته اغلب این کارگران زن هستند و بطور کلی سهم عمده کارگران در مناطق آزاد را زنان تشکیل می‌دهند.

علاوه بر ارزشی و فراوانی نیروی کار مسئله بهره‌وری نیروی کار هم مطرح است. در بهره‌وری نیروی کار کیفیت نیروی کار یعنی میزان دانش و تمایل به کار نیز در نظر گرفته می‌شود. در اینجا بهره‌وری نیروی کار یعنی اینکه یک کارگر در یک ساعت چند واحد تولید می‌کند. این واحد می‌تواند به عنوان مثال کفش باشد و یا بند کفش. اما بطور کلی ستانده‌های هر کارگر در یک ساعت بهره‌وری نیروی کار است. سرمایه‌گذاران در مناطق آزاد ترجیح می‌دهند به نقاطی بروند که کیفیت نیروی کار خوب است یعنی بهره‌وری نیروی کار زیاد است. مثلاً وضع چین در این مورد از هنگ‌کنگ بدتر بود و منطقه اقتصادی ویژه چین در مقایسه با هنگ‌کنگ سرمایه‌داران را به خود جلب نکرد.

از نظر بهره‌وری نیروی کار، کشورهایی که مناطق آزاد تجاری دارند به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- ۱- دسته اول کشورهایی که بهره‌وری نیروی کار در آنها بسیار زیاد است مثل تایوان- هنگ‌کنگ- سنگاپور- مالزی.
- ۲- دسته دوم کشورهایی که بهره‌وری نیروی کار در آنها متوسط است مثل قبرس- کلمبیا - پرتوریکو- تانزانیا.
- ۳- دسته سوم کشورهایی که بهره‌وری نیروی کار در آنها کم است مثل بنگلادش- هند سری لانکا.

معیار دیگری که سرمایه‌گذاران برای انتخاب یک منطقه دارند عدم وجود بوروکراسی و یاقلت مشکلات اداری است. یکی از مهمترین اجزاء هزینه‌ها برای سرمایه‌گذاران، هزینه‌ای است که در اثر تاخیر در انجام امور اداری در کشورهای جهان سوم به آنها تحمیل می‌شود. سرمایه‌گذاران خارجی به کاغذبازیه‌ها در کشورهای جهان سوم وقوف دارند و یادقت کارآیی اداری کشور میزبان را ارزیابی می‌کنند. زیان تاخیر در زمان واردات و صادرات و پیاده کردن کالاها و مواد اولیه به سبب مشکلات اداری حدود ۱/۱ هزینه‌های کارگری برآورد شده است. حال که میزبانان در مناطق آزاد تعرفه گمرکی را حذف می‌کنند و از سود بازرگانی چشم‌پوشی می‌نمایند اگر حشور و ژانده‌بور و کراتیک را نیز کنند و مثلاً برای صدور پروانه کار و دریافت جوازهای لازم، مهمانان را سرندوانند، امتیازی برای منطقه آزاد محسوب خواهد شد. به‌طور مثال سرمایه‌داران چینی و هند از بوروکراسی زائد اداری شکایت داشته‌اند و این یکی از دلایل عدم موفقیت نسبی مناطق آزاد تجاری در این کشورها محسوب می‌شود.

معیار دیگر در انتخاب منطقه، مشکل حمل و نقل است. هزینه حمل و نقل گاهی حتی از هزینه نیروی کار هم مهمتر است. حمل و نقل غالباً از طریق کشتی صورت می‌گیرد ولی از آنجا که برخی از مناطق آزاد در کنار سرزمین‌های خشکی بنا شده‌اند حمل و نقل از طریق هوایی نیز انجام می‌گیرد. سرمایه‌گذاران در معیار حمل و نقل فقط هزینه حمل و نقل را در نظر نمی‌گیرند بلکه به

امنیت کالا، سالم ماندن کالا در جابجایی، ضایعات کمتر، منظم بودن تخلیه بار از کشتی و هوایما نیز اهمیت می دهند.

در محاسبه هزینه حمل و نقل مسئله فاصله از بازارها مطرح است، به طور مثال هزینه حمل و نقل بین اروپا و آفریقا بیشتر از هزینه حمل و نقل بین اروپا و آسیای دور می باشد ولی آنچه مهم است مبدأ و مقصد نهایی کالاهاست، یعنی داده ها از کجا باید حمل شوند و ستانده ها باید به کجا بازگردند. فاصله منطقه از بازارهای فروش در جلب سرمایه گذاران تاثیر زیادی دارد.

منطقه آزاد تجاری سنگاپور یک نمونه موفق از این نظر است زیرا هم از تسهیلات حمل و نقل برخوردار است و هم از امتیاز نزدیکی به بازارهای مورد نیاز چین باینکه برای حل مشکل حمل و نقل اعتبارات زیادی را صرف تامین زیربنای ارتباطی کرده است ولی بدلائل زیادی از نمونه های موفق محسوب نمی شود.

آخرین معیاری که در انتخاب مراکز آزاد تجاری وجود دارد مسئله حمایت از حقوق مالکیت است. برخی از کشورهای میزبان بدانحال این هستند که از تولید منسوجات، کفش و مونتاژ مصنوعات الکترونیکی ساده و مصرفی به تولید محصولات پیچیده تر دست یابند، از صنایع نساجی به صنایع اتومبیل حرکت کنند<sup>۱۶</sup>. بحث انتقال تکنولوژی و نحوه اعمال حقوق مالکیت یکی از مسائل مهم میان کشورهای تازه صنعتی شده و توسعه یافته بوده است. میزبانان معتقدند که نقش صنایع کاربر از نظر انتقال تکنولوژی بسیار ناچیز است<sup>۱۷</sup> و در مقابل مهمانان هاهم می خواهند مالکیت خود را بردانش و فن حفظ کنند، در نتیجه برخی از کشورهای جهان سوم که مایل به دریافت تکنولوژی پیچیده تر هستند، مقررات و قوانینی وضع کرده اند که حقوق سرمایه گذاران را بیشتر از گذشته تضمین می کند به هر حال کشورهای سرمایه گذار به انتقال دانش و فن در مقابل آزادی تجارت رغبت چندانی نشان نمی دهند.

## ۲- میزبانان

هدف کشورهای میزبان از پذیرش مهمانان چیست:

کشورهای میزبان اهداف متفاوتی از تأسیس مناطق آزاد تجاری دارند. بعضی از کشورها مثل سنگاپور برای توسعه بخش صادرات اقدام به این کار می کنند. برای بعضی از کشورها مثل کلمبیا توسعه یک منطقه مهمتر است و در کشوری مانند جامائیکا توسعه یک بندر از اولویت خاصی برخوردار است. هر کشوری اهداف خاصی برای خود دارد ولی می توان یک سلسله اهداف کلی یا یافته های کلی را برای کشورهای میزبان ذکر کرد. به طور دقیق میزبان موفقیت کشورهای میزبان را باید در مقایسه با اهداف اولیه ایجاد این مناطق سنجید، ولی بطور کلی کشورهای میزبان از ایجاد مناطق آزاد تجاری اهداف زیر را در سر دارند:

۱- ایجاد اشتغال: یعنی ممکن است ایجاد اشتغال در منطقه آزاد تجاری به سبک شدن بار بیکاری در جامعه بیانجامد.

۲- ایجاد درآمد ارزی: کشورهایی که مقروض هستند و قدرت پرداخت دیون خود را ندارند با ایجاد مناطق آزاد تجاری در صدد به دست آوردن درآمد ارزی هستند.

۳- جلب سرمایه‌گذاران خارجی: کشورهایی که با کمبود سرمایه برای رشد اقتصادی مواجه هستند نیاز به سرمایه دارند که از طریق ایجاد مناطق آزاد تجاری می‌خواهند آن را جلب کنند.

لازم به ذکر است که در کدام از این اهداف وفواید با توجه به وضعیت کشورها معنی و مصداق پیدا می‌کند. در برخی از کشورها، نتایج غیرمستقیم مناطق آزاد تجاری در توسعه را به سبب عوامل زیر بسیار سهم تلقی می‌کنند:

۱- افزایش مهارت‌های تکنیکی و مدیریت: کشورهای میزبان می‌پندارند که سهام‌ها در عمل می‌توانند اینگونه مهارت‌ها را به میزبانان بیاموزند.

۲- انتقال تکنولوژی: کشورهای میزبان در مواردی به امید انتقال تکنولوژی از کشورهای مهمان به کشور آنها، به ایجاد مناطق آزاد تجاری در کشور خود می‌پردازند.

۳- برقراری ارتباط اقتصاد داخلی با اقتصاد کشورهای مهمان: کشورهای میزبان به امید اینکه اقتصاد داخلی آنها به جنبش و حرکت درآمد و از این طریق رونق پیدا کند و مزایای داخلی استفاده شود اقدام به ایجاد مناطق آزاد تجاری می‌کنند.

۴- دسترسی بیشتر به بازارهای بین‌المللی: کشورهای میزبان در مواردی امیدوارند که از طریق مناطق آزاد تجاری به بازارهای بین‌المللی دست پیدا کنند.

اهدافی که ذکر شدند عمده‌ترین و کابترین اهدافی هستند که کشورها در ایجاد مناطق تجاری به دنبال دستیابی به آنها هستند. گاهی کشوری در پی یکی از این اهداف است و گاه ترکیبی از این اهداف را دنبال می‌کنند و این بسته به آن است که مسئله و مشکل آنها چه باشد و چه استراتژی توسعه‌ای داشته باشند، ولی هفت مورد مستقیم و غیرمستقیم نامبرده در اغلب موارد دیده می‌شوند.

کشور میزبان برای اینکه به اهداف خود دست یابد، هزینه‌هایی باید بپردازد. زیرا هیچ فایده‌ای بدون هزینه میسر نیست. اما لازم به ذکر است که میزان فایده اجتماعی-اقتصادی که کشور میزبان به دست می‌آورد به طور یقین باید با هزینه‌های اجتماعی-اقتصادی ایجاد این مناطق سنجیده شود. هزینه‌هایی که کشور میزبان صرف می‌کند به‌قرار زیر است:

۱- هزینه‌های خالص تأسیس زیر بناها: زمانی مهمانان حاضر به آمدن به منطقه آزاد تجاری هستند که اسکاناتی نظیر بندر-اسکله-جاده-فروگاه (داخلی و بین‌المللی) انبار و جز

آن فراهم شده باشد. همینطور برای کارگران و مدیران در این منطقه مسکن آماده شده باشد و خانه ها و کارخانه ها باید دارای امکاناتی نظیر آب - برق - تلفن ، تلکس و بطور کلی هر چه لازم است باشند .

۲- هزینه های مربوط به مدیریت و اداره کردن مناطق آزاد تجاری : براساس تجربه این مناطق به صورت مستقل اداره می شوند و دولت در اداره این مناطق دخالت مستقیم نمی کند و مدیریت منطقه به طور مستقل امور داخل منطقه را برعهده دارد.

۳- هزینه های از دست رفته دولت در ایجاد انگیزه برای سرمایه گذاران خارجی: شامل هزینه هایی است که دولت تقبل می کند تا سرمایه گذاران خارجی به سرمایه گذاری در آن منطقه آزاد تجاری تشویق شوند. مثلاً دولت از درآمدهای آنان مالیات نمی گیرد. هرچند این مورد به ظاهر هزینه نیست ولی درآمدی است که دولت میزبان از آن چشم پوشی می کند، بنابراین باید به عنوان هزینه های میزبان به حساب آورده شود.

### ۳- نتیجه آمدن مهمانها

حال که دلایل آمدن مهمانها و استقبال میزبانها ذکر گردید لازم است بررسی شود که آمدن سرمایه گذاران به مناطق آزاد تجاری چه تاثیری در جهت تحقق اهداف مورد نظر کشور میزبان دارد و جزء به جزء به تحلیل این امر پرداخته می شود :

گسترش سریع مناطق پردازش صادرات در دهه ۱۹۷۰ و نیمه اول دهه ۱۹۸۰ باعث گردید تا میزان اشتغال از حدود ۵۰ هزار نفر در سال ۱۹۷۰ به حدود ۸۰۰ هزار نفر در سال ۱۹۸۳ و ۱۳۰۰۰۰ نفر در سال ۱۹۸۶ بالغ گردد. رشد متوسط سالانه اشتغال حدود ۹ درصد بوده است.<sup>۱۸</sup>

توزیع این اشتغال در همه کشورها یکسان نیست: ۹۴/۵ درصد این اشتغال در ۱۴ کشور شامل کره جنوبی ، مکزیک ، سنگاپور ، مصر ، هنگ کنگ ، برزیل ، دومینیکن ، سوریس ، تونس ، فیلیپین ، سری لانکا ، مالزی و ماکائو بوده است و ۵ درصد اشتغال در ۳۲ کشور دیگر که جمعاً ۶ کشور می شود. در این میان کشورهای تازه صنعتی شده بیشترین سهم از مجموع اشتغال در مناطق آزاد تجاری را دارند. حال این سؤال را می توان مطرح کرد که آیا این گروه از کشورها به دلیل تاسیس و گسترش مناطق آزاد تجاری ، صنعتی شده اند ؟ و آیا پویایی صنعت این کشورهاست که کشورهای سرمایه گذار را به این مناطق جلب کرده است ؟ شاید جواب ساده این باشد که اگر به دلیل مناطق آزاد تجاری ، صنعتی شده اند پس چرا بقیه کشورهایی که دارای مناطق آزاد هستند، صنعتی نشده اند ؟ بنابراین پاسخ را باید در پویایی صنعت و سیاست گذاریهای جهانی و ملی این کشورها جستجو کرد.<sup>۱۹</sup>

نتیجه اینکه توزیع اشتغال بین مناطق آزاد متعادل نیست. حجم کل اشتغال مناطق آزاد تجاری در دنیا همانطور که قبلاً ذکر شد ۱۳۰۰۲۰۰ نفر است که ۷۸۷۷۰۰ نفر آن از آن آسیاست، یعنی کل مناطق آزاد تجاری - صنعتی در آسیا برای ۷۸۷۷۰۰ نفر اشتغال ایجاد کرده است که حدود ۶/۶ درصد از کل اشتغال دنیاست.

از مجموع اشتغال در قاره آسیا ۲۷/۵ درصد متعلق به سنگاپور، ۱۷/۸ درصد متعلق به جمهوری کره، ۱۱/۳ درصد متعلق به هنگ کنگ، مالزی ۱/۴ درصد و تایوان ۱۰/۲ درصد اشتغال دارند. پس از آسیا، امریکای جنوبی قرار دارد که ۹/۳ درصد اشتغال مناطق آزاد تجاری را به خود اختصاص داده است و ۳۸۱۳۰۰ نفر شاغل دارد. در امریکای جنوبی، مکزیک با ۶/۶ درصد بیشترین رقم را دارد و پس از آن برزیل با ۶/۵ درصد قرار دارد. آفریقا با ۱۰/۱ درصد از مجموع اشتغال مناطق آزاد تجاری دنیا و ۱۳۱/۲۰۰ نفر شاغل در مقام سوم قرار دارد. در آفریقا کشور موریس ۴۷ درصد اشتغال و تونس ۳/۵ درصد اشتغال را داراست و مهم سایر کشورها ناچیز است.

ترکیب اشتغال : ترکیب اشتغال در مناطق آزاد تجاری شباهتی با ترکیب اشتغال در جهان خارج ندارد و مخصوص به خود است. بیش از ۷۰ درصد از ۱۳۰۰۰۰۰ شاغل مناطق آزاد تجاری را زنان تشکیل می دهند. در کشور مکزیک سهم زنان در صنایع مناطق آزاد تجاری ۷۷ درصد، در مالزی ۸۰ درصد، در سری لانکا ۸۸ درصد و در هندوستان ۸۰ درصد است. علت این امر آن است که زنان علاوه بر نظم و دقت بیشتر دستمزدی معادل نصف دستمزد کارگران مرد دریافت می کنند، طبعاً چون سرمایه گذاران هم به دنبال کاهش هر چه بیشتر هزینه های تولید و کسب سود زیادتر هستند، برایشان ارجح است که از کارگران ارزانتر استفاده کنند. ویژگی دیگر اشتغال مناطق آزاد در این است که کارگرانی که به استخدام درآمده اند اغلب جوان و کمتر از ۲۰ سال سن دارند. بدین ترتیب زنان ۱۶ تا ۲۰ ساله بهترین کارگران برای صنایع مناطق آزاد تجاری هستند. به عنوان نمونه، در مکزیک ۷۸/۵ درصد شاغلین زیر ۲۷ سال هستند. در سری لانکا ۸۳ درصد کارگران مناطق پردازش صادرات زیر ۲۶ سال هستند. در مالزی متوسط سن کارگران مناطق پردازش صادرات ۲۱/۷ سال است. در هند ۸۳ درصد کارگران مناطق آزاد تجاری زیر ۲۶ سال هستند. در جامائیکا متوسط سن کارگران مناطق پردازش صادرات ۲۰ سال است. بنابراین، از نظر ترکیب اشتغال، معمولاً شاغلان زن و جوان هستند. مسئله بعدی در نیروی کار میزان مهارت و تخصص شاغلان مناطق آزاد تجاری است با توجه به نوع صناعی که در مناطق آزاد تجاری ایجاد شده (عمدتاً صنایع الکترونیک، پوشاک و نساجی)، مهارتی که برای این نوع صنایع لازم است بسیار ابتدایی است و در واقع هیچ نوع مهارتی را نمی طلبد و آموزشهای چند روزه کفایت می کند. بعنوان نمونه نتایج تحقیقی که در منطقه آزاد «ماسان» در

کره جنوبی صورت گرفته است نشان می دهد که نسبت مهندسان به کل شاغلان در این منطقه ۱/۲ درصد، تکنسینها ۱/۳ درصد، پرسنل دفتری ۸/۷ درصد، کارگران ماهر ۵/۵ درصد و کارگران نیمه ماهر و غیر ماهر ۸۳/۳ درصد بوده اند.

بنابراین کارگران در این مناطق اغلب زنان هستند، نصف مردان دستمزد می گیرند، جوان هستند، مهارتی ندارند و به آنها آموزش چندانی داده نمی شود زیرا کاری که آنها انجام می دهند نیازی به آموزش ندارد. کارها بصورت شیفتی انجام می گیرد و چون کارخانه ها باید مرتب کار کنند بنابراین زنان شبها هم کار می کنند و کار شبانه زنان در بسیاری از کشورها پذیرفته نیست. درصد تعویض کارگران بسیار زیاد است و بسرعت اتفاق می افتد. زیرا کارگران از کار یکنواخت خسته می شوند، بخصوص در صنایع الکترونیک که کارگر از نظر نوع کار تحت فشار روانی است.

در چنین شرایطی فراوانی نیروی کار یک امتیاز است زیرا سرمایه گذار می تواند تعویض کارگران را بسرعت انجام دهد و بهره وری کار را افزایش دهد. نتیجه اینکه انتظارات کشورهای میزبان از نظر اشتغال اغلب برآورده نمی شود. زیرا در واقع در مناطق آزاد تجاری با صناعی که به وجود می آید عده ای که هرگز جویندگان کار نبوده اند، به جویندگان کار تبدیل می شوند. در کشورهای جهان سوم هدف از ایجاد مناطق آزاد تجاری کاهش بیکاری مردان است نه ایجاد اشتغال برای زنان. با اینکه بسیاری از کشورها سعی کرده اند که مقرراتی برای کاهش نسبت زنان شاغل تدوین نمایند و یا زنان را از کار شبانه معاف کنند ولی چون سرمایه گذاران متقاضی این نوع کارگران هستند هنوز موفق به تحمیل نظر خود نشده اند.

آیا واقعاً این اشتغال در کشورهای میزبان موجب رونق صنعت و یا آن چیزی که به آن توسعه صنعتی گفته می شود، شده است؟ متأسفانه اطلاعات زیادی در مورد سهم ارزش افزوده این صنایع وجود ندارد ولی به یک شاخص می توان استناد کرد و آن شاخص سهم اشتغال مناطق آزاد از کل اشتغال صنعتی در کشور میزبان است. آمارهای موجود نشان می دهد که سهم اشتغال مناطق آزاد تجاری در سطح ملی رقم چشمگیری نیست. کشورهای دارای مناطق آزاد تجاری را می توان براساس این شاخص (با اطلاعات نیمه دهه ۱۹۸۰) به چهار دسته تقسیم کرد: دسته اول کشورهایی که درصد اشتغال مناطق آزاد تجاری در کل اشتغال صنعتی آنها حدود ۷۰ تا ۹۰ درصد است مانند کشور ماکائو در آسیا و یا کشور موریس در آفریقا که این کشورها، الگوی معمول توسعه مناطق آزاد تجاری نیستند<sup>۲۱</sup>.

دسته دوم کشورهایی که اشتغال مناطق آزاد تجاری در اشتغال صنعتی آنها سهم بهمی را دارد مانند تونس، سری لانکا و مکزیک که سهم اشتغال مناطق آزاد تجاری در کل اشتغال صنعتی ۴۰-۱ درصد است.



دسته سوم کشورهایی که درصد اشتغال مناطق آزاد تجاری در کل اشتغال صنعتی آنها ۱۰-۲ درصد می باشد مانند: جمهوری کره، تایوان و برزیل.

دسته چهارم کشورهایی است که درصد اشتغال مناطق آزاد تجاری در کل اشتغال صنعتی آنها بسیار ناچیز است مانند: مصر و فیلیپین.

در تحقیقی که در مورد سهم اشتغال مناطق آزاد تجاری در اشتغال صنعتی ۸۴ کشور انجام گرفته متوسط اشتغال مناطق آزاد تجاری این کشورها در اشتغال صنعتی آنها حدود ۲ درصد است. با توجه به سهم بسیار ناچیز این مناطق در کل اشتغال صنعتی نمی توان این مناطق را محرک توسعه صنعتی در کشورهای دانست. بنابراین اشتغال در صنایع مناطق آزاد تجاری ( با توجه به اینکه این ۲ درصد اشتغال هم معمولاً زن هستند و جوان و بدون تخصص و ...) نمی تواند به فراهم آمدن نیروی کار متخصص برای توسعه صنعتی کشور میزان کمکی زیادی بکند. بدین ترتیب اهداف ایجاد مناطق آزاد تجاری یعنی ایجاد اشتغال، کاهش میزان بیکاری و کمک به توسعه صنعتی، تحقق نیافته است. ولی چرا چنین است؟ در مورد مسئله اشتغال با اینکه بسیاری از کشورها برنامه ریزی مسی کنند و یا امید و انتظارس دارند که مشکلاتشان حل شود باز هم موفق نشده اند. در این مورد باید به ماهیت این صنایع توجه شود. اغلب صنایع مناطق آزاد تجاری صنایع الکترونیک، نساجی و پوشاک هستند. یعنی صنایع سبک با حمل و نقل آسان و سودآوری زیاد. سرمایه گذاران در مناطق آزاد، علاقه ای به سرمایه گذاری در صنایع سنگین کشور میزان که نیازی به فرآورده های آن ندارند و نیازمند سرمایه گذاری زیادی است و سوددهی چشمگیری هم ندارد، از خود نشان نمی دهند.

در سری لانکا، ۹ درصد اشتغال مناطق آزاد تجاری در صنایع نساجی است.

در مالزی ۷۰ درصد اشتغال مناطق آزاد تجاری در صنایع الکترونیک است.

در مکزیک، مالزی و برزیل صنایع الکترونیک غالب است.

در تونس و فیلیپین منسوجات و در جمهوری دومینیکن صنایع پوشاک غالب است. ملاحظه می شود که در تمام کشورهایی که منطقه آزاد تجاری ایجاد شده است یک صنعت غالب است. اما هدف از ایجاد مناطق آزاد تجاری این بوده است که فقط یک صنعت در آنجا غالب شود بلکه در برنامه ریزی کشور میزان تنوع صنایع مورد نظر بوده است ولی مهمانها به آن علاقه ای ندارند.

این صنعت غالب چگونه صنعتی است؟ این صنعت کاربر است و سرمایه بر نیست. در قسمتهای قبل هنگامی که در مورد سرمایه گذاری بحث می شد این مسئله ذکر شد که میزان سرمایه هاگاهی اوقات یک میلیون دلار و گاهی اوقات در چند هزار دلار است.

صنعت کاربر تکنولوژی پیچیده‌ای ندارد، ساده است و لذا ماهیت این صنایع ایجاب می‌کند که نه به آموزش نیاز داشته باشد و نه به سرمایه زیاد و طبیعتاً میزان و نوع اشتغالی هم که ایجاد می‌کنند به ترکیب تولیدات و حجم کاری که انجام می‌دهند، بستگی دارد. به سختی می‌توان باور داشت که این گونه صنایعی با این ویژگیها بتوانند ( و یا بخواهند) صنعت مسلکته را به حرکت درآورند.

از آنجا که اکثر موسسات مناطق آزاد تجاری با بازارهای اصلی خود در کشورهای صنعتی فواصل بسیار زیادی دارند، صنایع ایجاد شده در این مناطق به تولید کالاهای سبک وزن با ارزش افزوده زیاد می‌پردازند و ماهیت صنایع تاسیس شده در این مناطق بیشتر تابع سیاست گذاری دولتهای سهام و زیربناهای صنعتی موجود آن کشورهاست. تاثیر و مشارکت مناطق آزاد در توسعه اقتصادی کشور میزبان ناامید کننده است، زیرا که ماهیت این صنایع، رابطه این صنایع با شرکتهای چند ملیتی را نشان می‌دهد آن سرحالی از فرایند تولیدات صنعتی به کشور میزبان می‌آید که کاربر است و این بدلیل اختلاف چشمگیر در دستمزدهاست. در مناطق آزاد تجاری تکنولوژی پیچیده دیده نمی‌شود و آن قسمت از تولید که به تکنولوژی پیچیده نیاز دارد در کشور توسعه یافته باقی می‌ماند و همانجا انجام می‌شود. بنابراین هیچ رابطه‌ای با بخش صنعت و اقتصاد کشور میزبان ایجاد نمی‌کند.

مسئله دیگری که بسیاری از کشورهای میزبان مناطق آزاد تجاری در مورد آن حساب می‌کنند بحث انتقال تکنولوژی است. در واقع اغلب کشورهای جهان سوم به امید دستیابی به تکنولوژی به ایجاد مناطق آزاد تجاری می‌پردازند. در اینجا لازم است توضیح داده شود که تکنولوژی فقط ماشین نیست، تکنولوژی متشکل از اجزائی است: ماشین آلات و تجهیزات، مهارت‌های نیروی انسانی، دانش و اطلاعات فنی و مدیریت. در صنایع مناطق آزاد تجاری آنچه از تکنولوژی دیده می‌شود ورود ماشین آلات و تجهیزات است. انتقال تکنولوژی زمانی صورت می‌گیرد که این چهار جزء همگی حضور داشته باشند و به طور دقیق در مجموع اجزاء تکنولوژی انتقال دانش و فن بیش از سایر قسمتها اهمیت و اولویت دارد<sup>۲۲</sup>.

ایجاد مناطق تجاری به امید انتقال دانش و اطلاعات فنی و مهارت‌های نیروی انسانی و مدیریت، کاملاً قابل درک است ولی تحقیقات سازمانهای بین المللی در چند سال اخیر موید این مطلب است که تغییر چشمگیر و معنی داری در این زمینه اتفاق نیفتاده است. طبق بررسی انکتاد<sup>۲۳</sup> در سال ۱۹۸۵ تاثیر مناطق آزاد تجاری در بالابردن کیفیت نیروی کار تاکنون بسیار ناچیز بوده است. بنابراین نیروی کاری که از مناطق آزاد بیرون می‌آید چون مهارتی کسب نکرده است در اقتصاد داخلی و توسعه صنعتی کشور میزبان تاثیری ندارد.

به طور کلی می‌توان گفت که بالا رفتن کیفیت نیروی انسانی کشور میزبان بدلائل زیر بسیار محدود است:

اثرات آموزشی : برای انتقال مهارت‌های نیروی انسانی باید قاعدتاً افراد را آموزش داد ولی صنایع مناطق آزاد تجاری نیاز به آموزش ندارند زیرا که کار درخواست شده آموزش چندانی لازم ندارد.

اثرات نمایشی : اثرات قابل مشاهده از منطقه آزاد تجاری برای صنعتگران داخلی بدلائل گوناگون محدود است. زیرا که تفاوت‌های اساسی میان فرایند تولید در منطقه آزاد تجاری و داخل کشور میزبان وجود دارد و در برخی از کشورها صنعت موجود در مناطق آزاد تجاری اصولاً در کشور میزبان وجود ندارد. همچنین جدایی منطقه آزاد از سایر قسمت‌های کشور میزبان ، امکان دسترسی صنعتگران داخلی رادشوار می‌کند.

اثرات رقابتی : اگر برای حمایت از صنایع داخلی به این صنایع اجازه ورود به کشور میزبان داده نشود ، رقابتی وجود نخواهد داشت و اگر هم داده شود تولیدات داخلی با کیفیت و قیمت‌های جهانی نخواهند توانست رقابت کنند.

اغلب کشورهای جهان سوم ورود کالاهای مناطق آزاد تجاری را به داخل کشور خود ممنوع می‌کنند و اگر بعداً اجازه ورود دهند تعرفه گمرکی بر آن می‌بندند ، بنابراین اثر رقابتی ندارد.

### آموزش مدیریت

کشورهای میزبان تصور می‌کنند که با ایجاد مناطق آزاد تجاری می‌توانند با آموختن مدیریت در روش مدیریت خود تغییرات و اصلاحاتی بوجود آورند. منابع اطلاعاتی که نشان دهد در این مورد پیشرفتی حاصل شده است، بسیار نادر است؛ زیرا معمولاً مدیران مجرب و کارآمد، برنامه‌ریزان تولیدی ، متخصصان بازاریابی و مدیران مالی و کلا کسانی که گرداننده هستند از طرف کشورهای میزبان ، شرکت‌های چند ملیتی و بالاخره سرمایه‌گذارها می‌آیند و نیروهای بومی در آنجا راهی ندارند. البته در مواردی مانند، چین و یاهند از طریق سرمایه‌گذاری مشترك سعی شده است نیروهای داخلی هم وارد شوند اما مسئله اینجاست که در سرمایه‌گذاری مشترك سرمایه‌گذار خارجی پیش شرط‌هایی وضع می‌کند و اجازه نمی‌دهد نیروی بومی به اندازه او در امر مدیریت شرکت کند، پس آموزش مدیریت هم صورت نمی‌گیرد.

### دانش و اطلاعات فنی

اغلب سرمایه‌داران و شرکت‌های چند ملیتی که به مناطق آزاد تجاری می‌آیند مرحله‌ای از تولید را می‌آورند که به نیروی کار احتیاج دارد، حتی در مواردی مواد اولیه و یا کالاهای واسطه‌ای را در کشور خود تولید می‌کنند و سپس به کشور میزبان می‌برند و کارهای لازم را بر

روی آن انجام می دهند و مجدداً به کشور خود باز می گردانند. سرمایه گذاران تحت هیچ شرایطی دانش فنی یعنی بررسیمهای علمی و تحقیقات را در مناطق آزاد تجاری انجام نمی دهند. بنابراین انتظار انتقال تکنولوژی با وارد شدن سرمایه داران به امید انتقال دانش فنی، علم و روشهای مدیریت و مهارت های نیروی انسانی برآورده نمی شود.

همچنین بدلیل اینکه دستمزد کار در مناطق آزاد تجاری در شروع کار در مقایسه با دستمزدهای کشور میزبان بالاست، لذا کارگران داخلی ترجیح می دهند که یک دوره در این مناطق آزاد تجاری کار کنند و درآمدی کسب کنند و سپس آنجا را ترک نمایند. بنابراین مهارت های نیروی انسانی که در نتیجه استمرار در انجام کار می تواند حاصل شود، نیز کسب نمی گردد.

### درآمدهای ارزی

درآمد ارزی برای کشورهایی مسئله است که مشکل تامین ارز دارند یعنی یا منابعی ندارند و یا صادراتی ندارند و یا مشکلاتی از قبیل بدهی دارند، ولی بهر حال کسب درآمد ارزی دلیلی است برای ایجاد مناطق آزاد تجاری. اما درآمد ارزی از کجا تامین می شود؟ زمانی که کالائی تولید می شود و صادر می گردد، ارزشی که بابت صادر شدن کالا به دست می آید ارزش ناخالص است، چون برای صادر کردن آن وارداتی انجام گرفته است. بنابراین برای محاسبه درآمد ارزی باید خالص صادرات را حساب کرد که اگر واردات از کل ارزش صادرات کسر گردد خالص صادرات به دست می آید. معمولاً در مناطق آزاد تجاری با توجه به نوع صنایع و سیاست کشورهای میزبان واردات بسیار زیاد است، به عنوان مثال در فیلیپین میزان خالص واردات<sup>۲۴</sup> در تولید صنایع الکترونیک ۸۷ درصد است یعنی از اجزاء متشکله یک واحد کالای صادراتی ۸۷ درصد آن وارداتی است. در سری لانکا در صنایع الکترونیک ۸۰ درصد آن وارداتی است و در صنایع نساجی ۷۰ درصد آن وارداتی است. بدین ترتیب پس از کسر ارزش کل واردات از ارزش صادرات آنچه باقی ماند، خالص صادرات حاصل از مناطق آزاد تجاری است. معمولاً سهم ارزش افزوده کشور میزبان از کل خالص صادرات چیزی حدود ۲۰ درصد است و ۸۰ درصد آن نصیب کشور سرمایه گذار می گردد. در مورد میزان خالص صادرات در مناطق آزاد تجاری سه گروه از کشورها قابل تشخیص اند:

- گروه اول: کشورهایی که سهم خالص صادرات آنها حدود ۰ درصد از کل صادرات منطقه آزاد تجاری است مانند، کره جنوبی - تایوان - سوریس - هند - فیلیپین و جمهوری دوسینیکن.
- گروه دوم: کشورهایی که سهم خالص صادرات آنها حدود ۰ درصد کل صادرات منطقه آزاد تجاری است مانند، مالزی و سری لانکا

— گروه سوم: کشورهای که از یک منطقه پردازش صادرات به منطقه پردازش واردات تبدیل شده‌اند مانند، برزیل<sup>۲۰</sup>.

سهمی که از کل خالص صادرات (۲۰ درصد) به کشور میزبان تعلق می‌گیرد در سه جزء ویه قرار زیر است:

— دستمزدی که به کارکنان پرداخت می‌شود.

— هزینه‌هایی که مهمان بابت استفاده از امکانات و تسهیلات فراهم شده در منطقه

آزاد تجاری می‌پردازد.

— هزینه‌هایی که بابت خرید منابع کشور میزبان پرداخت می‌شود.

از مجموع سهمی که از کل خالص صادرات به کشور میزبان می‌رسد ۸۰ درصد آن دستمزد است و آنچه که بابت تسهیلات و خدمات به دست می‌آید ناچیز می‌باشد.

به واقع روشن است که این فعالیت در مجموع به نفع سرمایه‌گذارانی است که در منطقه آزاد تجاری سرمایه‌گذاری می‌کنند.

سرمایه‌گذاران برای تولیدات صنعتی خود می‌توانند مواد اولیه مورد نیاز را از کشور میزبان تهیه کنند اما طبق آمار و ارقام، این سهم بسیار کم است. بدین معنای که سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای را از کشور خود وارد کنند و حتی در مواردی سیاست‌گذاران اقتصادی کشورهای توسعه یافته برای تشویق سرمایه‌گذاران برای خرید مواد اولیه از کشور خود و سپس فروش کالای نهایی در همان کشور امتیازاتی از قبیل معافیت‌های گمرکی قائل می‌شوند. بنابراین سهمی که یک سرمایه‌گذار در یک منطقه آزاد تجاری امکان دارد از منابع داخلی کشور میزبان استفاده کند بسیار کم و قلیل است. بعنوان نمونه در سری لانکا ۹ درصد مواد اولیه در مناطق آزاد تجاری وارداتی هستند و تنها ۳ درصد آن از بازار داخلی تهیه می‌شود. واقعیت این است که سهام‌داران پولی بابت استفاده از منابع داخلی کشور میزبان نمی‌پردازند تنها چیزی که می‌ماند دستمزد کارکنان و هزینه استفاده از امکانات مانند اجاره زمین - آب - برق تلفن و ... است که بسیار ناچیز است.

حال اگر کشور میزبانی بخواهد تغییری در این وضعیت بوجود آورد چه می‌تواند بکند؟ می‌تواند دستمزد کارکنان را افزایش دهد و یا تسهیلات خود را مانند اجاره ساختمان - آب - برق - تلفن افزایش دهد و دیگر اینکه کیفیت و کمیت مواد اولیه خود را بالا ببرد تا به سرمایه‌گذار پیشنهاد کند که او از مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای کشور میزبان خریداری نماید.

اما تجربه نشان داده است که هیچکدام از این موارد عملی نیست. چون اگر میزبان دستمزد را افزایش دهد، سرمایه‌گذار منطقه را ترک می‌کند. چرا که مناطق دیگری هستند که دستمزد پائینتری دارند و سرمایه‌داران جذب آن مناطق می‌شوند یعنی در عمل کشورهای جهان

سوم برای حداکثر نمودن دوم کشورهای توسعه یافته دست به رقابت زده اند. بعنوان مثال دولت سری لانکا در روزنامه های رسمی دنیا آگهی می دهد که هیچ نقطه ای از دنیا از نظر دستمزدا و زانتر از سری لانکا نیست. در صورت دوم میزبان می تواند هزینه استفاده از امکانات و تسهیلات را بالا ببرد، اما سهم خدمات و امکانات بقدری ناچیز است که افزایش و یا کاهش آن اثری در کسب درآمد نمی کند.

دروغله آخر ارتقاء کمی و کیفی منابع کشور میزبان هم بی اثر است زیرا اغلب کشورهای جهان سوم توانائی چنین کاری را ندارند و به فرض اینکه این کار را هم انجام دهند قیمت های تمام شده در کشورهای جهان سوم قادر به رقابت با قیمت های تمام شده در کشورهای پیشرفته نیست. امتیازات کشورهای پیشرفته در تولید فراوان و قیمت های پایین علناً به ضرر کشورهای جهان سوم تمام می شود و گذشته از آن بازار در دست کشورهای پیشرفته است و گرداننده اصلی آنها هستند. بنابراین به فرض اینکه کشورهای میزبان کیفیت کالای خود را بالا ببرند چون هزینه تمام شده کالا گرانتر از بازارهای بین المللی است لذا سرمایه گذاران کماکان از بازارهای بین المللی خود خرید می کنند. پس عملاً تجربه نشان داده است که افزایش درآمد کشورهای میزبان از این سه جزء موفق نبوده است.

نکته دیگری که به آن پرداخته می شود سهم بهره وری نیروی کار است. قبلاً اشاره شد سرمایه گذاران به دنبال کشورهایی می روند که بهره وری نیروی کارشان زیاد است. بسیاری از کارگران کشورهای جهان سوم مانند کارگران کره ای و یا هنگ کنگ کنگی و سنگاپوری سخت کوش و پرکار نیستند، اما نکته اصلی اینجاست که هر چند عملکرد در ساعت یک کارگر سری لانکایی از کارگر مکزیک کمتر است اما اگر عملکرد در سال محاسبه شود، نه تنها عملکرد کارگران جهان سوم کمتر نیست بلکه بیشتر از کشورهای پیشرفته است. چرا که صنایع و کارخانه های مناطق آزاد تجاری دارای تعطیلات کمتری هستند و تعداد روزهایی که در سال وساعاتی که در روز کار می کنند بیشتر است. بنابراین عملکرد سالانه کارگران جهان سوم بالاتر از کشورهای پیشرفته است.

### سرمایه گذاری و هزینه در ایجاد مناطق آزاد تجاری

هزینه ایجاد مناطق آزاد تجاری و تأمین امکانات و تاسیسات زیربنایی بسیار زیاد است اما از کشوری به کشور دیگر تفاوت می کند. به عنوان مثال در فیلیپین حداقل هزینه برای آماده سازی یک هکتار، سیصد و شصت و هفت هزار دلار و حداکثر آن نهصد و سی و پنج هزار دلار بوده است، در سنگاپور آماده سازی یک هکتار، حداقل صد و پنجاه هزار دلار و حداکثر هزینه سیصد و پنجاه و چهار هزار دلار تمام می شود. هزینه تمام شده تاسیسات بستگی به وضع اقتصادی دولت

میزبان دارد. به طور یقین اگر مواد و تجهیزات آنی که برای ساخت تأسیسات لازم است در کشور میزبان ساخته شود هزینه آماده سازی کمتر خواهد بود تا زمانی که این مواد و تجهیزات وارد شوند. اما در کل در آماده کردن مناطق آزاد تجاری برای هر هکتار، بین یک صد و پنجاه هزار دلار تا حدود یک، بیلیون دلار هزینه می شود<sup>۲۷</sup>.

هزینه دیگری که کشورهای میزبان متحمل می شوند، هزینه مشوقها و چشم پوشی از انواع مالیاتها است. نکته ای که باید خاطر نشان ساخت این است که هزینه های دولت برای ارائه مشوقها و سوسیدها با اینکه زیاد است ولی بررسیها نشان می دهد تاثیر چندانی در جلب سرمایه گذاران خارجی ندارد.

آخرین مسئله شکست و موفقیت سرمایه گذارها در مناطق آزاد تجاری است. اطلاعات موجود نشان می دهد نرخ شکست برای شرکتهایی که با سرمایه گذاری خارجی بوجود آمده اند حدود ۶ درصد است و نرخ شکست برای شرکتهای مناطق آزاد تجاری که با سرمایه گذاری داخلی به وجود آمده اند ۳۸ درصد است. در واقع شرکتهایی که با سرمایه گذاری خارجی به وجود آمده اند کمتر شکست خورده اند.

### نتیجه گیری

دلیل حضور سرمایه گذاران در مناطق آزاد تجاری یک علت بیش نیست و آن کسب سود است. دلایل پذیرش کشورهای میزبان همانطور که قبلاً ذکر شد متفاوت است مسائلی از قبیل: حل مشکل بیکاری، کسب درآمد ارزی، استفاده از منابع داخلی و برقراری ارتباط با اقتصاد داخلی، توسعه صنعتی، انتقال تکنولوژی، دسترسی به بازارهای جهانی و... اما از نظر ابعاد اجتماعی-اقتصادی چه تأثیراتی مناطق آزاد تجاری می توانند در شرایط اجتماعی-اقتصادی کشور میزبان داشته باشند؟

مکانیسم مناطق آزاد تجاری به گونه ای است که نه تنها موجب انتقال تکنولوژی نمی شود بلکه عملاً توسعه تکنولوژی را در داخل کشور میزبان محدود می کند و یا در واقع مانع ارتقاء تکنولوژی در داخل کشور میزبان می شود. چرا که با ایجاد مناطق آزاد تجاری موسسات خارجی تمام تمرکزشان بر روی این مناطق است و هر آنچه را باید انجام دهند در منطقه آزاد تجاری انجام می دهند. حضور موسسات خارجی در مناطق آزاد تجاری عملاً مانع برقراری تماس میان موسسات خارجی و اقتصاد داخلی کشور میزبان می شود و این نتیجه ای است که از کل عملکرد موسسات خارجی مناطق آزاد تجاری در کشورهای میزبان حاصل شده است. مسئله دیگری که در اثر حضور این مهمانان رخ می دهد این است که شرکتهای خارجی اغلب شاخه های فرعی در اقتصاد کشور میزبان به وجود می آورند و این شاخه های فرعی پس از مدتی به یک شرکت چند ملیتی تبدیل می شوند. به عنوان مثال شرکت چند ملیتی «RCA» که امروزه در آمریکا

یک شرکت بسیار بزرگ است ابتدا یک شاخه فرعی از یک شرکت انگلیسی بوده است. در کشورهای جهان سوم هم همین اتفاق می افتد، شاخه های فرعی را نخست شرکتهای خارجی ایجاد می کنند و آنها به مرور تبدیل به شرکتهای بزرگ چند ملیتی می گردند. از دیگر اثرات اجتماعی و اقتصادی این مناطق دگرگون شدن ساختار اقتصاد محلی و وابستگی مردم بومی به فعالیت منطقه آزاد تجاری<sup>۲۸</sup> است. در صورت قطع یا کاهش فعالیتهای صنعتی یا تجاری مشکلات اجتماعی و اقتصادی عدیده ای پدید می آید<sup>۲۹</sup>.

به اثرات این صنایع در شرایط زیست محیطی منطقه نیز باید توجه کرد. در نهایت تجریبات گذشته نشان می دهد که آتش توسعه ای این مناطق به عنوان ابزاری برای رشد صنعت و همچنین در رشد صادرات کشور میزبان بسیار محدود بوده است.

### آینده مناطق آزاد تجاری

امروز مناطق تجاری بسیاری هستند که به امید پردازش صادرات ایجاد شده اند ولی در حال حاضر به مناطق پردازش واردات تبدیل شده اند. به عنوان نمونه زمانی که در برزیل مناطق آزاد تجاری دایر شد اعلام کردند که ورود کالا از این مناطق به داخل کشور ممنوع است و سپس در اثر فشار شرکتهای چند ملیتی این ممنوعیت به شرط و شروطی تبدیل شد و در اثر ادامه فشار شرایط آسانتر شد. قاچاق هم در این میان کمک کرد. بنابراین آنچه انتظار می رود این است که در بسیاری از کشورهایی که در آن مناطق آزاد تجاری به وجود می آیند شرکتهای خارجی فعال در این مناطق به درون کشورها راه پیدا کنند و کم کم بازارهای داخلی را شرکتهای خارجی جذب کنند.

امروز هر کشوری برای رسیدن به اهداف توسعه خود نیاز به بررسی دارد. آینده ای که برای مناطق آزاد تجاری تصور شده است، این است که کشورهای بسیاری در اوائل فرآیند صنعتی شدن به ایجاد مناطق آزاد تجاری اقدام خواهند کرد. کشورهای تازه صنعتی شده علاقه کمتری به تأسیس این مناطق دارند<sup>۳۰</sup> و با کمک تسهیلاتی که بانک جهانی و کشورهای مختلف پیشرفته در اختیارشان می گذارند به سوی تأسیس صنایع پیچیده تر حرکت می کنند و کشورهای نسل دوم جایگزین آنها می شوند. کشورهای نسل سوم تازه در دهه ۱۹۹۰ کار را آغاز می کنند. در شروع کار باید به این سؤال مهم پاسخ داد که تأثیرات مناطق آزاد تجاری در توسعه هر کشور چگونه است، هدف کشورها از ایجاد مناطق چیست و به کجا می خواهند برسند؟ آیا اگر تسهیلات و امتیازات به جای تمرکز در یک منطقه آزاد تجاری بگونه ای گسترده تر واز نقطه نظر اجتماعی - اقتصادی عادلانه تر توزیع شوند، به همین نتایج و یا حتی نتایج بهتری منجر نمی شوند؟ امروز این سؤال بانام « فرضیه بدیل<sup>۳۱</sup> » مطرح شده است. به عبارت دیگر، آیا با امتیازات داده



شده به شرکتهای خارجی، موسسات داخلی، در درازمدت با حفظ استقلال سیاسی - اقتصادی نمی‌توانستند نتایج بهتری داشته باشند؟ وقتی در مناطق آزاد تجاری به سرمایه‌گذاران خارجی منابع کمیابی نظیر تسهیلات زیربنایی، معافیت‌های گمرکی، مشوقها و فراغت از کاغذبازی‌ها اختصاص داده می‌شود، چرا صنایع داخلی از این منابع کمیاب و امتیازات برخوردار نشوند؟ چنانچه امکاناتی نظیر آنچه به شرکتهای خارجی داده می‌شود به موسسات داخلی داده شود چه اتفاقی می‌افتد؟

این مقاله در نشست علمی بخش فرهنگی جهاد و انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران ارائه شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و مأخذ

- 1) Currie Jean; 1985 «Export Processing Zones in The 1980s». The Economic Intelligence Unit , Special Report No. 190. London PP.1
- 2) United Nations Industrial Development Organization .
- 3) United Nations Conference on Trade and Development.
- 4) Free Trade Zone (FTZ)
- 5) Free Export Processing Zone (EPZ)
- 6) OECD; 1984.  
«Investing in Export Processing Zones» Paris. PP. 20.  
(۷) عظیمی حسین ۱۳۶۹، اطلاعات میزبانی و اقتصادی، شماره ۳۸
- 8) ILO; 1988  
«Economic and Social Effects of Multinational Enterprises in Export Processing Zones». Geneva  
(۹) این اطلاعات همه مربوط به یکسال نیست، بلکه بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵ تهیه شده است.
- 10) UNCTAD; 1986  
«Export Processing Free Zones in Developing Countries: Implications for Trade and Industrialization Policies.» PP:5
- 11) Currie Jean ; 1985
- 12) Scale
- 13) United Nations; 1985  
«Basic Facts about the united Nations» PP. 111.2
- 14) ILO; 1988 PP. 92
- 15) UNCTAD; 1986 و PP. 16

- ۱۶) اطلاعات سیاسی - اقتصادی ، مهرماه ۱۳۶۷
- ۱۷) موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ۱۳۶۹ ، « اثرات اقتصادی و اجتماعی شرکتهای چند سلیتی در مناطق پردازش صادرات» - ترجمه ، دکتر محمدرضا رفعتی  
18) ILO; 1988-PP. 10, 75-77
- ۱۹) ماهنامه بررسیهای بازرگانی - فروردین ۱۳۶۹ ، « مناطق آزاد پردازش برای صادرات : امکانات و محدودیتها » سال سوم ، شمار ۱۱ ، ص ۳۵  
20) United Nations ; 1985  
«Women Workers in Multinational Enterprises in Developing Countries.»
- ۲۱) موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی ۱۳۶۹ ، صفحه ۳۰-۳۵
- ۲۲) محمودی منصور ۱۳۶۹ ، « نقش مناطق آزاد در انتقال تکنولوژی » مجله مناطق آزاد ، شماره اول ، سال اول ، صفحه ۱۱
- 23) UNCTAD; 1986 PP. 4
- 24) The Net Import Content
- ۲۵) کفایتی - م ۱۳۶۹ ، « نقش مناطق آزاد در اقتصاد کشورهای در حال توسعه » مجله روند سال اول ، شماره دوم ، صفحه ۵۵
- 26) Out Put Per Man-Hour
- 27) Currie Jean; 1985. PP. 41-42
- ۲۸) شرکت سهامی شیلات ایران ، ۱۳۶۹ ، « اثرات ایجاد مناطق آزاد تجاری بر صید و صیادی در سواحل جنوبی کشور » ، دفتر برنامه ریزی و مطالعات اجتماعی ، صفحه ۱۱۷-۱ و ۱-۶۷
- ۲۹) سازمان برنامه و بودجه ۱۳۶۶ ، « مناطق تجارت آزاد » دفتر برنامه ریزی منطقه‌ای ، جلد هشتم ، صفحه ۲-۸ و ۲-۲۰
- 30) Warr G. Peter 1989، «Export Processing Zones and Trade Policy, Finance and Development.» June, PP. 36
- 31) Substitution Hypothesis



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی